

شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: مطالعه ای کیفی و اکتشافی

جواد خدادادی سنگده^۱

علی محمد نظری^۲

خدابخش احمدی^۳

جعفر حسینی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۹

ازدواج سالم و موفق، نقش بنیادین در تشکیل خانواده سالم ایفا می‌کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. بدین منظور ۱۳ نفر از زوج‌های واجد شرایط به روش نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از مصاحبه عمیق و اکتشافی در طول یک دوره ۱۲ ماهه مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری، در قالب مقوله‌های اصلی، دسته‌بندی شدند. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان به شناسایی ۳۸۶ کد اولیه، ۲۵ زیر مضمون و ۴ مضمون اصلی شامل بسترهای فردی، بسترهای زوجی، بسترهای فرهنگی - اجتماعی و بسترهای دینی منجر گردید. در مجموع، در ایجاد ازدواج موفق، عوامل متأثر از بافت فرهنگی - اجتماعی، بیشترین نقش را در سلامت ازدواج و خانواده ایفا می‌کنند. بنابراین، توجه بیشتر به مبانی فرهنگی و اجتماعی در ازدواج اهمیت بنیادی دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج سالم، تجارب زوج، پدیدارشناسی

E-mail: Javad.khodadadi7@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

^۳ دانشیار مشاوره، مرکز علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)

^۴ دانشیار روانشناسی، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

مقدمه

خانواده سالم، زیربنای سلامت جامعه است و ملاک تعیین‌کننده خانواده سالم، ازدواج موفق^۱ است (گریف و ملهرب^۲، ۲۰۰۱: ۲۴۸). رابطه زن و شوهری، زیربنای عملکرد خانواده است و بر ابعاد مختلف سلامت افراد تاثیر می‌گذارد. افرادی که ازدواج موفق دارند، سطح بالاتری از سلامت عمومی را نشان می‌دهند (کار^۳، ۲۰۰۶: ۴۸)، از احساس بهزیستی بالاتری برخوردارند و کمتر به بیماری‌های مزمن مانند مشکلات قلبی - عروقی مبتلا می‌شوند (ارویدسون و همکاران^۴، ۲۰۰۶: ۱۳۵). این افراد در صورت بیمار شدن به درمان بهتر پاسخ می‌دهند (قواس و استروس^۵، ۱۹۹۲: ۲)، رفتارهای خود مراقبتی و پیشگیرانه بهتری دارند، نسبت به بیماری‌ها نگرش مثبت دارند، مسئولیت‌پذیری و تعاملات اجتماعی بهتری نشان می‌دهند، هزینه‌های درمانی کمتری را پرداخت می‌کنند (اندرسون و فانل^۶، ۲۰۰۵: ۱۵۵)، توانایی بهتری برای مقابله با مشکلات و بیماری‌ها را دارند و در نهایت از زندگی خود راضی‌ترند و بیشتر عمر می‌کنند (آماتو و لومیس و بوس^۷، ۲۰۰۵: ۱۹۹).

در طرف مقابل، ازدواج شکست خورده و نارضایتی از رابطه زوجی با سلامت عمومی پایین، ضعیف بودن سیستم ایمنی بدن و برانگیختگی‌های قلبی - عروقی همراه است (آماتو و کیس^۸، ۲۰۱۱: ۴۴). این قبیل زوج‌ها نشانه‌های معنادار افسردگی، اضطراب و پریشانی روانی بیشتری را تجربه می‌کنند (کوئین^۹، ۲۰۰۴)، رفتارهای آسیب‌زای مصرف سیگار، الکل و موادمخدر بیشتری را نشان می‌دهند، مستعد خشونت فیزیکی، خیانت زناشویی و طلاق هستند و بروز متعدد مشکلات پزشکی و روان‌پزشکی را تجربه می‌کنند (لانگ و یانگ^{۱۰}، ۲۰۰۷). این وضعیت نه تنها برای خود زوج‌ها تهدید کننده است، بلکه پیامدهای منفی و آشفتگی‌های درازمدت و نهفته‌ای را برای فرزندان به دنبال دارد و سلامت و امنیت اجتماعی را به شدت تهدید می‌کند (شاو، وینسلو و فلانگمن^{۱۱}، ۲۰۰۷: ۷۹۴). بالاترین میزان بهزیستی را فرزندان دارا هستند که در خانواده‌ای زندگی می‌کنند که والدین آنها اختلاف کمتری با هم دارند، با یکدیگر زندگی می‌کنند و از

¹ successful marriage

² Greeff & Malherbe

³ carr

⁴ Arvidsson et al

⁵ Ghavasse & Strauss

⁶ Anderson & Funnell

⁷ Amato, Loomis & Booth

⁸ Amato & Keith

⁹ Queen

¹⁰ Long & Young

¹¹ Shaw, Winslow & Flanagan

زندگی زناشویی خود احساس خرسندی دارند. در عین حال، فرزندان متعلق به زوج‌های متعارض، مشکلات بیشتری در حوزه روان‌شناختی، تحصیلی و اجتماعی نشان می‌دهند (آماتو و کیدال^۱، ۲۰۰۸: ۱۱۴۲).

اهمیت سلامت ازدواج به گونه‌ای است که حمایت‌های دریافت شده از سایر منابع نمی‌تواند فقدان حمایت از رابطه زوجی را جبران کنند. زمانی که حمایت همسر به حساب آورده می‌شود، حمایت سایر افراد و منابع حمایتی نقش معناداری در پیش‌بینی بهزیستی و درماندگی فرد ایفا نمی‌کند. با توجه به این مهم و تاثیر همه جانبه کیفیت رابطه زوجی، داشتن ازدواج موفق برای همه، هدفی مهم و در اولویت است (میرز و ماداتیل و تینگل^۲، ۲۰۰۵: ۱۸۶). پیشینه پژوهشی نیز حمایت کننده این مطلب است. برای مثال، مطالعه کیفی اینگرام^۳ (۲۰۱۰) روی زوج‌های موفق آمریکایی که حداقل ۱۵ سال از ازدواج آنها می‌گذشت، نشان داد داد این زوج‌ها در فرایند زندگی انعطاف‌پذیرند، به هویت فردی و زوجی خود اهمیت می‌دهند، به تفاوت و شباهت‌های یکدیگر توجه دارند، روابط جنسی رضایت بخشی دارند، به مدیریت مسائل مالی و حل تعارض اهمیت می‌دهند و ارزش‌های همخوانی دارند. در پژوهشی مشابه روی ۱۵ زوج راضی از ازدواج که حداقل ۱۰ سال از ازدواج آنها گذشته بود، نتایج نشان داد که این زوج‌ها نسبت به هم متعهدند، از باورهای مذهبی مشترکی برخوردارند، به صمیمیت توجه دارند و از مهارت‌های ارتباطی همچون خودافشایی، گوش‌دادن و بیان نظرات و احساسات برخوردارند (رویزبلت و همکاران^۴، ۱۹۹۹: ۱۲۶).

با این حال، نکته قابل توجه این است که عوامل اثرگذار بر ازدواج موفق و رضایت از آن در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. بیشتر مطالعات انجام شده در حوزه ازدواج بر بسترهایی تمرکز داشته است که زمینه شکل‌گیری ناخرسندی، بدکارکردی، آسیب و فروپاشی آن را در بر می‌گرفته است (موت و کوالاسکی و مینگهان^۵، ۲۰۰۲: ۱۰۶) - در حالی که پرداختن به دلایل بسترساز ازدواج موفق، سهم نه چندان زیادی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. از آنجا که ارزش‌ها و قواعد فرهنگی - اجتماعی عمیقاً بر چگونگی فرایند ازدواج خانواده اثرگذار هستند، بررسی موضوعات مرتبط با ازدواج باید در بافتی که در آن قرار دارد، صورت گیرد (اسکات^۶، ۲۰۰۶) و چون مطالعات انجام شده در یک بافت فرهنگی - اجتماعی را

¹ Amato & Cheadle

² Myers, Madathil & Tingle

³ Ingram

⁴ Roizblatt at all

⁵ Mott, Kowalaeski & Menaghan

⁶ Scott

نمی‌توان به بافتی دیگر تعمیم داد (هاستون^۱، ۲۰۰۰: ۳۰۸)، انجام پژوهش مبتنی بر بافت، فوق‌العاده ضرورت دارد. از طرف دیگر، اغلب مطالعات گذشته در حوزه ازدواج، به روش کمی و به شکل پرسشنامه‌ای بوده است. این روش علی‌رغم اهمیتش، برای کسب دانش لازم درباره دلایل موفقیت یا شکست در ازدواج، ناقص است. از این رو، پژوهش حاضر به روش کیفی و با استفاده از مصاحبه عمیق به شناسایی دلایل ازدواج موفق در بافت فرهنگی کشورمان پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش اکتشافی حاضر به روش کیفی است که با توجه به هدف دستیابی به تجارب زیسته افراد دارای ازدواج موفق، از رویکرد پدیدارشناسی استفاده کرده است. هدف این روش، توصیف و تشریح پدیده‌های خاص بر اساس تجارب افراد مورد نظر است و در فرایند کار بر توصیف آنچه که افراد بیان می‌کنند، تمرکز می‌شود تا به کشف پدیده‌های تازه منجر شود (اسپیزال و کارپنتر^۲، ۲۰۰۷). مساله اساسی برای کاربرد رویکرد پدیدارشناسی، پاسخ به این سوال است که آیا پدیده مورد نظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر. ازدواج موفق علی‌رغم تمامی اهمیت آن، هنوز در کشور ما تبیین نشده است و ادبیات علمی دقیق و جامعی در این زمینه وجود ندارد. از این رو، پژوهشگران در این مطالعه روش فوق را انتخاب کرده‌اند.

جامعه آماری پژوهش عبارت بود از کلیه زوج‌های شهر تهران که رضایت بالایی از ازدواج خود داشتند و واجد شرایط ورود به پژوهش بودند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: ۱) گذشت حداقل ۱۵ سال از مدت ازدواج، ۲) داشتن حداقل دو فرزند، ۳) فقدان سوء پیشینه زوجین، ۴) عدم سابقه آسیب‌های اعتیاد، خیانت زناشویی و طلاق در زوجین، ۵) قرار داشتن زوجین در سطح متوسط رو به بالای مقیاس‌های استاندارد شده رضایت زناشویی انریچ^۳ و سلامت عمومی^۴ ۶) تمایل به مشارکت در پژوهش و توانایی انتقال اطلاعات.

برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری هدفمند و به طور همزمان روش گلوله‌برفی جهت دسترسی راحت‌تر به نمونه‌های مورد نظر استفاده شد. این راهبرد افراد را بر حسب دانش و تجارب خاص آنها در

¹ Huston

² Speziels & Carpenter

³ ENRICH

⁴ GHQ

مورد پدیده مورد مطالعه برای مشارکت در تحقیق انتخاب می‌کند. جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت که در پایان تعداد نمونه در پژوهش به ۱۳ شرکت‌کننده رسید.

ماهیت اکتشافی پژوهش، انعطاف‌پذیری بالای پژوهشگر را جهت کاوش موضوعات تازه و مبهم می‌طلبید و بر این اساس، از روش مصاحبه عمیق و بدون ساختار استفاده شد. مصاحبه‌ها با یک سوال کلی در مورد تجارب زندگی زوجی شروع شده و در طول آن در مواقع لازم از سوالات کاوش‌گرانه مانند "می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟" جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. مصاحبه‌ها معمولاً بین ۳۰ تا ۵۷ دقیقه به طول انجامید. داده‌ها در طول یک دوره ۱۲ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین اصلی، دسته‌بندی شدند. قبل از انجام مصاحبه، به شرکت‌کنندگان در مورد رعایت اصول اخلاقی پژوهش توضیحات لازم داده شد و پس از کسب رضایتشان، به آنها پیرامون حق انصراف و محرمانه بودن همه مشخصات در کل فرایند پژوهش اطمینان داده شد. کلیه مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص شده و در مکانی خلوت و بدون حضور فرد دیگری انجام شد.

جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها از نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر کدگذاری‌ها به همکاران پژوهش و یک متخصص پژوهش کیفی ارائه شد. جهت افزایش قابلیت تعمیم به موقعیت‌های دیگر، سعی شد که تا حد امکان از زوج‌های متعلق به سطوح مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر تهران برای شرکت در پژوهش استفاده شود. برای تحلیل داده‌ها از روش دی‌کلمن، آلن و تاننر^۱ (۱۹۸۹) استفاده شد. در پدیدارشناسی روش‌های تحلیل مختلفی وجود دارد، اما روش مذکور در مطالعه موضوعات اکتشافی و مبهم ارجحیت دارد (اسپیزال و کارپنتر، ۲۰۰۷). بر اساس این روش، متن مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناخت کلی از آن حاصل شود. سپس برای هریک از متون مصاحبه، خلاصه تفسیری نوشته و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام شد. در ادامه، پژوهشگران برای استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند. با تداوم مصاحبه‌ها، مضمون قبلی روشن‌تر و تکامل می‌یافت و گاه مضمون جدید شکل می‌گرفت. جهت روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرایند بازگشت مکرر به متون صورت گرفت. در هر محله

¹ Diekelmann, Allen & Tanner

با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل کلی‌تری انجام شد تا در نهایت ارتباط بین زیر مقوله‌ها و درون‌مایه‌ها به بهترین شکل ممکن جهت رسیدن به طرح نهایی برقرار شد.

یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۳ شرکت‌کننده (۷ زن و ۶ مرد) و دامنه سنی شرکت‌کنندگان از ۳۸ تا ۶۴ سال بود. مدت ازدواج از ۱۵ تا ۴۲ سال با میانگین ۲۵/۷ متغیر بود. نوع ازدواج ۹ نفر از آنها سستی و ۴ نفر دیگر غیرسستی بود. در همه ازدواج‌ها سن مرد بزرگتر از سن همسر بوده است. گستره تحصیلی شرکت‌کنندگان از دکتری تا پنجم ابتدایی متغیر بود و وضعیت شغلی آنها نیز از هیئت علمی تا مسافرکش را در بر می‌گرفت. سایر اطلاعات جمعیت‌شناختی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در پژوهش

تعداد فرزند	درآمد خانواده	شغل	تحصیلات		مدت ازدواج	سن ازدواج		شرکت‌کننده	
			زن	مرد		زن	مرد	سن	جنسیت
۳	۱/۵ میلیون	خانه‌دار	پنجم	راهنمایی	۲۸	۲۳	۲۱	۴۹	زن
۴	۱ میلیون	بازنشسته	دیپلم	بیسواد	۴۲	۲۲	۱۸	۶۴	مرد
۳	۱/۵ میلیون	راننده	دیپلم	سیکل	۲۲	۲۴	۱۹	۴۶	مرد
۲	۱/۶ میلیون	کارمند	دیپلم	راهنمایی	۱۵	۲۸	۲۳	۳۸	زن
۳	۲/۳ میلیون	معلم	لیسانس	ارشد	۲۳	۲۶	۲۱	۴۹	مرد
۳	۲ میلیون	معلم	لیسانس	کاردانی	۲۲	۲۵	۱۹	۴۱	زن
۲	۲ میلیون	معلم	لیسانس	لیسانس	۲۶	۲۴	۲۰	۴۶	زن
۳	۳ میلیون	هیئت علمی	لیسانس	دکتری	۲۶	۲۶	۱۹	۵۲	مرد
۳	۱/۵ میلیون	خانه‌دار	دیپلم	راهنمایی	۲۷	۲۴	۲۱	۴۸	زن
۳	۲ میلیون	کارمند	دیپلم	لیسانس	۲۳	۲۴	۱۸	۴۷	مرد
۴	۱ میلیون	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم	۳۰	۲۹	۲۳	۵۳	زن
۳	۱/۲ میلیون	کارمند	دیپلم	فوق لیسانس	۲۳	۲۶	۲۱	۴۴	زن
۵	۲ میلیون	فروشنده	سیکل	پنجم	۲۹	۲۱	۱۹	۵۰	مرد

تحلیل و مقوله‌بندی توصیفات شرکت کنندگان به شناسایی ۳۸۶ کد اولیه، ۲۵ زیر مضمون و ۴ مضمون اصلی منجر شد که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: مضامین محوری و زیر مضمون‌های مربوط به دلایل ازدواج موفق

مضامین اصلی	مضامین فرعی
دلایل فردی	مسئولیت‌پذیری، گذشت، صبر داشتن، توکل به خداوند، قناعت، پختگی
دلایل زوجی	قدردانی، تعهد متقابل، صمیمیت، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی، توافق بر سر مسائل اساسی، شوخی، حمایت متقابل، مدیریت مالی، مشارکت و همکاری
دلایل فرهنگی - اجتماعی	ارتباط با اقوام و آشنایان، عدم مدگرایی، مقبولیت اجتماعی، اشتغال، همسانی فرهنگی، اوقات فراغت
دلایل دینی	جهانبینی توحیدی، همسانی باورهای دینی، تقیدات دینی

۱. دلایل فردی

یکی از بسترهای زمینه ساز ازدواج موفق در نمونه مورد مطالعه که در پژوهش حاضر شناسایی شد و در ادبیات علمی مربوط به مشاوره خانواده و ازدواج مورد تأکید بوده، ویژگی‌های فردی است. خصایص مثبتی از قبیل مسئولیت‌پذیری، گذشت و بخشش، توکل داشتن، اهل صبر و بردباری بودن، قناعت داشتن در زندگی و پختگی از جمله دلایلی فردی بوده است که افراد مورد مطالعه در طی مصاحبه‌های خود به آنها اشاره شده است.

زن و شوهر آگه میخوان عاقبت بخیر بشن، تو کم و زیاد زندگی بایس گذشت داشته باشن، تو کوشون به خدا باشه. تو این سی سال زندگی باهم تا اونجا که از دستمون میومده وظیفمونو انجام دادیم، تلاش کردیم، تو مسائل صبر و تحمل داشتیم و به حق خودمون قانع بودیم. بیخودی خودمونو زیر بار قرض و گرفتاری نبردیم و کاری به حرف مردم نداشتیم و زندگی خودمونو کردیم... با همین چیزاس که خوشیم (خانم ۵۲ ساله، مدت ازدواج ۳۳ سال).

از جمله یافته‌های قابل توجهی که در بیشتر مصاحبه‌های افراد نمونه به نقش موثر آنها اشاره شده بود، اهل قناعت بودن، صبر داشتن و اهل گذشت بودن است. برخورداری زوج از این ویژگی‌ها، علی‌رغم اینکه در

شکل‌دهی یک ازدواج سالم و رضایت‌بخش نقش پر رنگی دارند و در بافت فرهنگی و دینی ما با ارزش تلقی می‌شود، در متون علمی به آنها توجهی نشده است.

اگه آدم توی زندگیش قانع باشه به همه چیز میرسه. ما زندگیمونو خیلی ساده شروع کردیم، حتی بگم اولشم تلوزیونم نداشتیم که بعدش گرفتیم ولی نرفتیم زیر بار قرض و بشیم بدهکار مردم... ما هم مته همه زندگی‌ها سختی و مشکلات داشتیم، لنگ موندیم، ولی این نبوده که یه چی من بگم یه چی اون بگه. عوضش پشت هم بودیم، صبر کردیم، از زیر بار مشکلات فرار نکردیم و گذشت داشتیم و خدا هم همیشه کممون کرده (آقا ۴۷ساله، مدت ازدواج ۲۳ سال).

۲. دلایل زوجی

روابط زوجی در چهارچوب ازدواج از دیرباز مورد ترغیب شریعت‌ها و قوانین بوده است. رابطه زوجی، قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و نهاد خانواده را پایه‌گذاری می‌کنند. آنچه که از خود این پایه‌گذاری مهمتر است، چگونه عمل کردن و شکل‌دهی یک ازدواج موفق است، وضعیتی که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس رضایت از باهم بودن دارند. در این پژوهش، دلایل ناشی از رابطه زن و شوهر یکی دیگر از بسترهای اصلی ازدواج‌های موفق است. بر اساس اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها وجود قدردانی و تعهد متقابل، توافق بر سر مسائل اساسی، صمیمیت، تلاش برای خشنودی همسر، رضایت جنسی، حمایت و مراقبت از هم، شوخی و تفریح با هم، از سازوکارهای زوج برای شکل‌دهی رابطه رضایت‌بخش بوده است.

خدا میدونه از اول زندگیمون تا حالا نشده بهم خیانتی کنیم یا جنگ و دعوایی داشته باشیم. کمک حال هم بودیم و سعی کردیم هوای همو داشتیم. مثلاً الان زانو هام درد میکنن تا شبا نیاره بهش پماد بماله نمیخوابه. دوس نداره ازش ناراحت شم و منم تا اونجا که میشه هواشو دارم... خیلی زن با گذشت و با محبتیه، یه وقتایی شوخی و سر به سر هم میزاریم، با هم مسافرت و زیارتی میریم و خدا هم قسمت کرده یه سفر مکه/ام با هم رفتیم... قدر همو میدونیم و ایناس که زندگیمونو خوش و گرم کرده (آقا ۵۲ساله، مدت ازدواج ۲۶ سال).

از اثرگذارترین شیوه تعاملی جالب که افراد مورد مطالعه در رابطه خود دارند و بندرت در حوزه ازدواج به آن پرداخته شده است، تلاش برای خشنودی یکدیگر است که این ویژگی عمدتاً در تمامی مصاحبه‌ها دیده شده است.

شاید باورتون نشه اگه بیرون چیزی ببینه خوشش بیاد، برام میخره مثلاً عطری، کیفی یا خوردنی. میدونه من دوس دارم توخونه یه وقتایی اون غذا بپزه، این کارو انجام میده، یا توکارای خونه میاد کمکم بدون اینکه من ازش خواسته باشم. ملاحظه همه چی رو میکنه و فقط به فکر خودش نیست. منم هیچ وقت نداشتم حرفش رو زمین بمونه و برا راضی بودنش از ته دل خیلی کارا کردم و میکنم و دورشم می‌گردم (زن ۴۹ ساله، مدت ازدواج، ۲۸).

یکی دیگر از دلایل تعیین‌کننده ازدواج موفق، حمایت‌گری متقابل و توافق زوج در مورد مسائل مهم زندگی از جمله تصمیم‌گیری‌های مالی، شغلی و تحصیلی و آداب زندگی بوده است. این توافق، نقش بسیار مهمی در انسجام رابطه زوجی و خانوادگی داشته است.

ماچون با هم فامیل بودیم و تو خیلی از زمینه‌ها حرفمون یکی بود و اون جاهایی هم که با هم فرق داشتیم سعی کردیم با صحبت کردن یکی باشیم، این (توافق) از نون شب واجبتره تو زندگی و باعث شده دچار مشکل نشیم... مثلاً اینکه کجا بریم، کجا نریم، بچه‌ها بایست چطوری تربیت بشن. تو دخل و خرج خونه هم پولامون یه کاسه‌س و جییمون یکیه. اگه بخوایم چیزی بخریم راجبش حرف میزنیم و اونیه که واجبتره میخریم، اگه هم نداشتم خب میزاریم برا بعد (آقا ۴۹ ساله، مدت ازدواج، ۲۳ سال).

رضایت داشتن طرفین از رابطه جنسی شاخصی مناسب برای ثبات ازدواج و خرسندی از آن محسوب می‌شود. رضایت جنسی، افزایش کیفیت زندگی و در نتیجه آن افزایش ثبات زندگی را به دنبال دارد. در توصیفات افراد مورد مطالعه رضایت طرفین از روابط جنسی‌شان بیانگر مطالب فوق است.

به اینجور مسائل (رابطه جنسی) اهمیت میدیم و دقت کردیم بچه‌ها وارد حریممون نشن. خودمون با هم راحتیم و رودربایستی نداریم. راجع بهش حرف میزنیم، خب شب بیشتر موقع‌ها پیش هم میخوایم... سعی میکنیم جفتمون راضی باشیم و به این خاطر راجبش می‌پرسیم و حرف میزنیم و لذت داره برامون (خانم، ۴۴ ساله، مدت ازدواج، ۲۳ سال).

در ارتباط با این مقوله، یافته تازه و قابل توجه این است که در ازدواج‌های موفق بر اساس نمونه مورد مطالعه، زن و شوهر به دیگری اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و گاه بدون اینکه خود فرد تمایلی به برقراری رابطه جنسی داشته باشند، اما به خاطر همسر این کار را با رضایت انجام می‌دهند. برای نمونه:

ما رابطمون خوش و لذت بخشه. بوده وقتی که من میل نداشتم یا خسته بودم ولی احساس کردم خانمم دوس داره الان رابطه (جنسی) داشته باشیم، من نیومدم پشتمو کنم بهش یا بگیرم بخوابم. با اینکه میتونستم این کارارو کنم ولی به خاطر اون رابطه داشتم. اونم خیلی وقتا دیدم این کارو کرده و به خاطر من ترجیح داده... آگه زن و مرد با هم خوب باشن، بهم محبت و گذشت داشته باشن، اینجور کارا لذت داره. وقتی اینکارو میکنم احساس خوشی دارم از اینکه بخاطر زخم این کارو کردم (آقا ۴۶ ساله، مدت ازدواج ۲۲ سال).

مشارکت و همکاری زوج در پرداختن به امور زندگی نیز یکی از دلایل موفقیت در ایجاد رابطه با کیفیت زناشویی است. شرکت مرد در امور منزل به ویژه در زوج‌های هر دو شاغل موجب نزدیکی بیشتر و ادراک حمایت از سوی همسر می‌شود و همین امر رضایت متقابل را به دنبال دارد.

بنظر من کارِ خونه زن و مرد نداره، هر که هر جور میتونه بایس کمک کنه. ما هر جفتمون شاغلیم و صبح می‌ریم و عصر میایم خونه. اینطوری نیست که بگیریم این کار وظیفه من نیست و یا اون هست... نه همه کمک هم میدیم، وسیله‌ای باشه خودم جابه جاش میکنم، موکت یا فرشو با هم می‌شوریم، هر چند خب خانمم بنده خدا خودش این کارارو بیشتر انجام میده... خودمم بعضی غذاها رو درست میکنم و خودش یه تفریح (آقا ۴۹ ساله، مدت ازدواج ۲۳ سال).

۳. دلایل فرهنگی-اجتماعی

در مباحث مرتبط با روابط زوجی، از مهم‌ترین عواملی که فرآیندها و پیامدهای این رابطه را متأثر می‌سازد، بافت فرهنگی-اجتماعی است. ارزش‌ها، باورها، رسوم و هنجارهای حاکم بر یک بافت علاوه بر دیدگاه‌های فردی بر سبک روابط زوجی نیز اثر گذار است. تحلیل مصاحبه افراد مورد مطالعه حکایت از این مهم داشت که موضوعات فرهنگی، مسئله‌ای اساسی در ازدواج موفق است. در این مطالعه، همسانی فرهنگی زوج، روابط مناسب با خانواده‌های اصلی، اقوام و آشنایان، عدم تمایل به مدگرایی، مقبولیت اجتماعی و اشتغال، دلایل فرهنگی-اجتماعی موثر بر ازدواج موفق است.

ما به لحاظ فرهنگی و دینی و خانواده‌ها، مته همیم. رسامون مته هم بوده و جفتمون تویه خانواده سنتی و شلوغ و پر رفت و آمد بزرگ شدیم. خب خودمونم زندگیمونو ساده شروع کردیم، رفت و آمد داشتیم. بهمون یاد داده بودن که چطوری زندگی کنیم، بیخودی بریز و بپاش نکنیم، به تربیت بچه‌ها بیشتر از شکمشون اهمیت بدیم، حرمت بزرگترامونو داشته باشیم و به خانوادمون اهمیت بدیم... این باعث میشه که تو خیلی از مسائل یکی باشیم و نشه که هر کی بخواد یه چیزی بگه (آقا، ۴۶ ساله، مدت ازدواج ۲۲ سال).

علاوه بر همسانی فرهنگی، برخورداری از روابط اجتماعی مناسب با خانواده‌های اصلی، خویشاوندان، همکاران و دوستان و فقدان تعارض با آنها به عنوان یکی از دلایل مهم در رضایت‌مندی از زندگی و برخورداری از شبکه حمایتی آنها قلمداد شده است.

ما نه تنها با خانواده‌ها و فامیلامون رفت و آمد داریم، بلکه با بعضی همسایه‌ها و همکارامونم رفت و آمد داریم. یه همسایه خوب مته یه خانواده خوب میمونه. خونواده همیشه نزدیک آدم نیست، ولی همسایه ۲۴ ساعته بیخ گوش آدمه... اگه اتفاقی یا کاری پیش بیاد، زودتر از هر کسی همسایه‌ها به داد هم میرسن.. ما با چندتا شون رفت و آمد خونگی داریم و یه وقتی که مسافرت میریم کلید خونه رو بهشون می سپاریم (خانم ۴۳ ساله، مدت ازدواج ۲۰ سال).

عدم تمایل به مُد و سبک زندگی مدگرایانه، از جمله بسترهای فرهنگی است که با ویژگی فردی قناعت، همپوشی دارد و حاکم بودن آن بر سبک زندگی زوج، در مدیریت مالی و اقتصادی و خرسندی از ازدواج تاثیرگذار است.

الان هفت هشت ساله دارم با همین مسافرکشی خرج زندگیمو درمیارم و خدا رو صد هزار مرتبه شکر تا حالا هم محتاج کسی نبودیم و امورات زندگیمون می چرخه... نه اینکه درآمدم خیلی باشه یا شب و روز فقط کار کنم، مال اینه که خودمو، زن و بچهم تو زندگی اهل پُزدادن و مد روز گشتن و ریخت و پاش بیخودی نبودیم، کاری به اینکه فلان وسیله مد شده یا فلان لباس تازه اومده نیستیم و حرف مردم برامون مهم نیست، هرچی میخوان بگن، خب بگن (آقا ۴۶ ساله، مدت ازدواج ۲۲ سال).

مقبولیت اجتماعی و مورد تایید بودن همسر از سوی اطرافیان و آشنایان از دیگر دلایلی بوده است که در خشنودی از همسر و شکل‌گیری یک ازدواج موفق اثر گذار است.

شوهرم آدم خیر و با محبتیه، تو در محل و فامیلا همه قبولش دارن، رو حرفش حساب می‌کنن، بهش اعتماد دارن و ازش تعریف می‌کنن... واقعاً هر کاری از دستش بیاد واسه رضای خدا انجام میده و رو سر کسی هم منت نمیداره... منم به این شوهرم افتخار می‌کنم (خانم، ۴۲ ساله، مدت ازدواج ۲۱ سال).

حاکم بودن فرهنگ کار و تلاش بر خانواده و ارزش قائل شدن برای کار کردن موجب استقلال مالی زوج از خانواده‌های اصلی و به دنبال آن استحکام مرز زیر منظمه زوجی و جلوگیری از دخالت اطرافیان شده است.

نه تنها تو خانواده ام، بلکه همه قوم و خویشامون به کار کردن خیلی اهمیت میدن و بیکاری یه جور انگاری بی‌غیرتیه. کار زن و مرد نداره و جهاده در راه خداست، آدمیزاد با کار که زنده‌س.. ما از بچگی کار کردیم و الانم بچه‌هام همینطوری بار اومدن، دل به کار میدن، پشتکار دارن، کار براشون ارزش داره و از بیکاری بدشون میاد... آدم وقتی کار می‌کنه، دستش پیش کسی دراز نیست و صاحب اختیار خودشه، ولی اگه محتاج باشه، تو زندگی به هیچ جا نمی‌رسه (آقا، ۵۰ ساله، مدت ازدواج ۲۹ سال).

توجه داشتن به اوقات فراغت، تفریح و مسافرت نیز یکی دیگر از دلایلی بوده که در ایجاد رضایت از زندگی خانوادگی افراد نمونه نقش داشته است. این مهم زمینه فارغ شدن از تنش‌ها و فشارهای حاصل از مسائل کاری و روزمره زندگی را فراهم می‌کند.

ما فرصتی که پیش میاد همگی جمع میشیم میریم پارکی، کنار آبی، یا بیرون از شهری. عروس و دامادا میان و خودمون وسیله پخت و پز می‌بریم و یه آب و هوایی عوض می‌کنیم، می‌گیم و می‌خندیم، آتیشی می‌زاریم و مشغول چایی و غذا می‌شیم، حسابی خوش می‌گذره. شده صبح رفتیم تا غروب، خیلی توجه نمی‌کنیم که حتما بایس اینطوری باشه و فلان چیز باشه... ساده می‌ریم و هر که هرچی داشت میاره. مهم دور هم بودن (آقا، ۶۳ ساله، مدت ازدواج ۴۲ سال).

۴. دلایل دینی

یکی دیگر از بسترهای زمینه ساز ازدواج موفق بر اساس نمونه مورد مطالعه که در پژوهش حاضر شناسایی شد، بسترهای دینی است. در جامعه ما با توجه به بنیان‌های فرهنگی، دین نقش بسیار پر رنگی در نحوه زندگی مردم ایفا می‌کند و بی‌تردید نظام ارزشی زن و شوهر عامل مهمی در کیفیت زندگی زناشویی است.

در این پژوهش، جهانبینی توحیدی، همسانی باورهای دینی و رفتارهای دینی به عنوان دلایل موثر بر ازدواج موفق شناسایی شد.

یادمه که خونوادم هیچی براشون مهمتر از اینکه طرف (خواستگار) اهل خدا باشه و حلال و حروم خدا رو رعایت کنه نبود و همینم بود که باهم ازدواج کردیم. این خیلی مهمه که زن و مرد از خدا بترسن، دین و ایمان براشون مهم باشه. باهم زیارت می ریم و قرار گذاشتیم پول کنار بزاریم و ایشالا... مکه هم بریم. خب این چیزا خیلی ما رو بهم نزدیک کرده و خیالمون از بابت خیلی چیزا راحت (خانم ۴۱ ساله، مدت ازدواج ۲۱ سال).

علاوه بر باورهای مشترک مذهبی زوج که موجب نزدیکی و انسجام بیشتر رابطه زن و شوهر شده است، تقیدات و رفتارهای مذهبی نیز در ایجاد رابطه رضایت‌بخش و صمیمانه نقش داشته است.

اون بیشتر موقع‌ها زوتر از من واسه نماز بلند می شه، خیلی کم دیدم که شبی یک صفحه قرآن نخونه. الان شاید ده یازده سالی هست بیشتر شبا باهم می ریم مسجد، پنجشنبه‌ها می ریم فاتحه اهل قبور. نماز جمعه رو خودم خیلی راغب نیستم برم، اما هر وقت خانمم می‌گه بریم شده بخاطرش می‌رم... ما تو زندگیمون همیشه توکلمون به خدا بوده و هر چی خیر بوده برامون رقم خورده و زندگیمون پر برکت و بچه‌هامون صحیح و سالم (آقا ۴۷ ساله، مدت ازدواج، ۲۳ سال).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش اکتشافی حاضر با روش کیفی به شناسایی دلایل موثر بر شکل‌گیری ازدواج موفق پرداخت. تحلیل داده‌ها به پیدایش چهار مقوله اصلی دلایل فردی، دلایل زوجی، دلایل فرهنگی-اجتماعی و دلایل دینی منجر شد. واضح است که داشتن ازدواج موفق و رضایت‌بخش برای همه، هدفی مهم و اساسی است و عوامل مختلفی می‌توانند بر شکل‌گیری آن موثر باشند. ازدواج موفق بیانگر وضعیتی است که زوج احساسات ناشی از خوشبختی و رضایت بودن با یکدیگر را تجربه می‌کنند. وقتی زوج ازدواج موفق داشته باشند، نهاد خانواده از سلامت برخوردار است، عملکردها و نقش‌ها به خوبی ایفا می‌شوند، زن و شوهر می‌توانند با مسائل و اتفاقات زندگی به شیوه صحیح برخورد کنند و در جهت ارتقای سلامت و بهداشت روانی خود حرکت نمایند.

همان گونه که یافته‌های این پژوهش نشان داد ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر یکی از دلایل موثری است که در داشتن ازدواج موفق نقش ایفا می‌کند. بر اساس نتایج، زوج‌های سالم به لحاظ شخصیتی مسئولیت‌پذیرند، توانایی بخشش و گذشت دارند، اهل قناعت هستند، به خداوند توکل دارند، در برخورد با مسائل و اتفاقات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده، صبورترند و در ابعاد مختلف زندگی به شکل پخته و بالغانه رفتار می‌کنند. ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری، رفتار بالغانه و توانایی بخشش و گذشت با نتایج مطالعات آماتو و کیس (۲۰۱۱)، آماتو و کیدال (۲۰۰۸)، آماتو (۲۰۰۰)، اینگرام (۲۰۱۰) و پارکر (۱۹۹۹) همخوانی داشت. آنچه در این پژوهش تازگی دارد، ویژگی‌های صبور بودن، توکل داشتن و قناعت داشتن بود که در این بافت فرهنگی - اجتماعی به دلیل ریشه‌دار بودن آموزه‌های دینی و اثر عمیق آنها بر شکل‌گیری سبک شخصیت افراد، نقش قابل توجهی دارند و در پژوهش‌های مرتبط با سلامت ازدواج تاکنون به آنها توجه کافی نشده است. افرادی که اهل صبر، توکل و قناعت هستند، در روبه‌رو شدن با کلیه مسائل زندگی زوجی و خانوادگی، برخورد صحیح و کارآمدتری دارند، در روابط بین فردی، عزت نفس و احساس کرامت بیشتری را تجربه می‌کنند، نگرش مثبتی به پیشامدها و اتفاقات دارند و به زندگی امیدوارند.

یافته دیگر این پژوهش به تعاملات و رابطه زن و شوهر مربوط می‌شد. بر اساس نتایج، قدردانی متقابل زن و شوهر از یکدیگر، متعهد بودن به هم و به رابطه‌شان، تلاش برای جلب خشنودی یکدیگر، صمیمیت داشتن، حمایت از هم، داشتن مدیریت مالی، رضایت جنسی، همکاری و وجود شوخی و تفریح دلایل برخاسته از بستر تعاملات زوجی است که در شکل‌گیری ازدواج موفق نقش ایفا می‌کند. این یافته‌ها نیز با نتایج مطالعات رویزبت و همکاران (۱۹۹۹)، یولکر (۲۰۰۸)، گاتمن و لونسون (۲۰۰۲)، آماتو و کیس (۲۰۱۱) و میرز و همکاران (۲۰۰۵) همسوست. آنچه که این یافته‌ها را از مطالعات قبلی متمایز می‌کند، علاوه بر تایید اهمیت تعهد، صمیمیت، حمایت، مدیریت مالی و رضایت جنسی، شناسایی عواملی است که به خوبی اثرات بافت فرهنگی را نشان می‌دهد. تلاش برای خشنودی یکدیگر، توجه به رضامندی و تقاضای جنسی همسر، قدردانی از یکدیگر و حفظ احترام خانواده‌های اصلی دلایلی است که در بافت فرهنگی کشور ما بر رضایت طرفین از یکدیگر بسیار موثر است و بیانگر حاکم بودن فرهنگ جمع‌گرایی و ارزش‌هایی چون: ایثار و از خود گذشتگی است. این قبیل رفتارها در این بافت خانواده - محور بر خلاف

¹ Amato

² Parker

³ Ulker

⁴ Gottman & Levenson

سایر بافت‌هایی که خود-محوری در آن از اهمیت بیشتری برخوردار است، بار ارزشی و معنایی متفاوتی به دنبال دارد. این عوامل زوج را به یکدیگر نزدیک می‌کند، چرخه تعاملات مثبت و تقویت‌کننده را ایجاد می‌نماید، مکانیسم‌های حمایتی آنها را فعال نگه می‌دارد و اثرات انکارناپذیری در سلامت روابط زن و شوهری دارا می‌باشد که در پژوهش‌ها و دیدگاه‌های کنونی ازدواج کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مضمون اصلی سوم استخراج شده از تجارب زیسته افراد در این پژوهش، دلایل فرهنگی-اجتماعی را در بر می‌گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد زوج‌هایی که ارتباط گرمی با خانواده‌های اصلی یکدیگر، اقوام و آشنایان دارند، تمایلی به مدگرایی ندارند، به کار و اشتغال اهمیت می‌دهند، از پذیرش و مقبولیت اجتماعی برخوردارند، به لحاظ پیشینه فرهنگی همسان هستند و به اوقات فراغت توجه لازم دارند، از خرسندی بیشتری در دراز مدت از ازدواج خود برخوردارند. این نتایج از تایید و حمایت نتایج مطالعات آماتو (۲۰۰۰)، هاستون (۲۰۰۰)، گریف و ملهرب (۲۰۰۱)، گاتمن و نوتاریس (۲۰۰۲) و اینگرام (۲۰۱۰) و آماتو و کیس (۲۰۱۱) برخوردار است. آنچه در این مطالعه تازگی دارد و قابل توجه است، نقش معنی‌دار کیفیت ارتباط زوج با خانواده‌های اصلی و اهمیت داشتن رضایتمندی آنها در رضایتمندی از ازدواج است. آنچه از توصیفات شرکت‌کنندگان مشخص شد، این است که هر چقدر خانواده اصلی از همسر فرزند خود راضی‌تر باشند و ارتباط گرمی بین آنها وجود داشته باشد، به همان میزان رضایت از ازدواج نیز بالاتر است. این مهم نیز به روشنی بیانگر فرهنگ خانواده-محور کشور است که اهمیت خانواده اصلی را در سراسر فرایند ازدواج نشان می‌دهد. از سوی دیگر، مقبولیت اجتماعی با کیفیت ارتباط فرد با اقوام، همسایگان و آشنایان مرتبط است. برخورداری فرد از این شبکه‌های حمایتی، می‌تواند در مواقع لزوم در کمک به فرد و خانواده برای حل بهتر مسائل پیش‌رو نقش فعالی داشته باشد و فرصت حضور بیشتر در کنار دیگران و بهره‌بردن از مزایای روابط اجتماعی سالم را ایجاد کند. عدم تمایل به سبک زندگی مدگرایانه با خصوصیت قانع بودن زوج قرابت دارد که اثرات فرهنگی بر سبک زندگی زوج را نشان می‌دهد و امکان مدیریت بهتر مالی و اقتصادی را نیز فراهم می‌کند.

دلایل دینی و مذهبی، آخرین یافته پژوهش حاضر بود. بررسی نقش باورها و رفتارهای دینی در حوزه‌های مختلف از جمله ازدواج نشان داد که اعتقادات معنوی و ارزش‌ها عاملی مهم در سلامت جسمانی و روانی زوج محسوب می‌شود و در جهان‌بینی اسلامی نیز هیچ بنایی در نزد خداوند نیکوتر از ازدواج نیست که بنای

¹ Gottman & Notaries

آن بر اساس مودت و رحمت استوار است. زوج‌هایی که از باورها و تقیدات دینی برخوردارند، معتقدند که این اعمال به آنها آرامش می‌بخشد، همدلی و درک یکدیگر را بالا می‌برد و هیجانات منفی از قبیل ناامیدی، خشم و احساس پوچی را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد (یولکر، ۲۰۰۸). طبق نتایج پژوهش حاضر و همسو با نتایج مطالعات کال و هیتون^۱ (۱۹۹۷) و شرمن، مارشال و هاریس و لی^۲ (۲۰۱۲)، زوج‌های موفق برخوردار بودن از جهانبینی توحیدی، باورها، اعتقادات و رفتارهای دینی مشترک را دلایلی برای موفقیت خود در زندگی و ازدواج قلمداد کرده‌اند. به زعم آنها این اعتقادات و تقیدات، از یک سو موجب نزدیکی بیشتر آنها بهم شده است و از سوی دیگر، در نقش بازدارندگی، موجب پیشگیری از آسیب‌های متنوع شده است.

باورهای دینی مرزها، باید و نبایدها، حلال و حرام‌ها و امور مشروع و نامشروع را برای زوج مشخص نموده است. تقیدات مذهبی نیز از یک سو، به شکل مستقیم رفتارهای فرد را کنترل می‌کند و از سوی دیگر، به طور غیر مستقیم از طریق افزایش بهبود روابط بین زوج و خانواده موجب کاهش رفتارهای نابهنجار می‌شود. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که باورها و تقیدات مذهبی به بهبود روابط زوجی و تقویت و استحکام آن کمک می‌کند، تکالیف و وظایف والدینی را تسریع می‌بخشد، به والدین کمک می‌کند تا در زمینه روش‌های تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند. در مرتبه بعد، تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کند تا اوقات فراغت آنها در پیش خانواده و به همراه خانواده سپری شود و برای آن برنامه ریزی مناسب داشته باشند و در نهایت روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و صله رحم را به جا آورند.

این پژوهش به نوبه خود با محدودیت‌هایی نیز رو به رو بود. نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر تهران بودند، لذا تعمیم این نتایج به همه خانواده‌های ایرانی مستلزم رعایت احتیاط است. از سوی دیگر، ازدواج موفق می‌تواند از عوامل و متغیرهای بی شمار دیگری متأثر باشد که در این پژوهش به دلیل عدم شناسایی به آنها پرداخته نشده است.

¹ Call & Heaton

² Schramm, Marshall, HarrIs, & Lee

- Amato, P.R, & Cheadle, J.E.(2008) "**Parental Divorce, Marital Conflict and Children's Behavior Problems: A Comparison of Adopted and Biological Children**". Social Forces. 86(3),1139-1161.
- Amato, P.R, & Keith, B.(2011)" **Parental divorce and Adult well-being: A Meta- Analysis**". Journal of Marriage and Family.53(1):43-58.
- Amato, P.R, Loomis, LS, Booth A.(2005) "**Parental Divorce, Marital Conflict, and Offspring Well-Being during Early Adulthood**". Social Forces,73: 895-915.
- Amato, P.R.(2000) "**The consequences of divorce for adults and children**". Journal of Marriage and the Family. 62, 1269-1287.
- Anderson, R.M, Funnell M.M.(2005)" **Patient empowerment reflections on the challenge of fostering: The adopting of a new paradigm**". Patient Educ Couns. 5(2):153-7.
- Arvidsson S.B, Petersson, A., Nilsson I., Andersson, B, Arvidsson BI, Petersson IF.(2006)" **A nurse-led rheumatoid arthritis: A qualitative study**". Nurs Health Sci. 8(3):133-9.
- Call, R. A., & Heaton, T. B. (1997)"**Religious influence on marital stability**". Journal For the Scientific Studies of Religion. 36, 382- 392.
- Carr, A.(2006). Family therapy: concept, process and practice. London: Wiley.
- Diekelmann, N., Allen, D., & Tanner, C.(1989)"**The national league for nursing criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis**". In: Moody L, Shannon M, eds. NLN Nursing Research Monograph Series. New York: NLN Press.
- Ghavasse, B.G, & Strauss, AL.(1992) "**New dimensions of empowerment in nursing and challenge**". J Adv Nurs,17(1):1-2.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2002)" **Generating hypotheses after 14 years of marital follow up: Or how should one speculate? A reply to Dekay, Greeno, and Houck**". Family Process. 40, 105-110.
- Gottman, J. M., & Notaries, C. I. (2002)" **Marital research in the 20th century and a research agenda**". Family Process. 55, 159-197.
- Greeff, A. P., & Malherbe, L.(2001) "**Intimacy and marital satisfaction in spouses**". Journal of Sex & Marital Therapy. 27(3), 247-257.
- Huston, T.L.(2000)"**Homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages**". Journal of Family Issues, 33, 8567-1571.
- Huston, T.L.(2000)"**The social ecology of marriage and other intimate unions**". Journal of Marriage and the Family, 62, 298-320.

- Ingram, J.R.(2010) **Money stories of successful long-term married couples. Pro Quest Dissertations and Theses.** Texas woman's university.
- Long, L.L.,& Young, M.E.(2007) **Counseling and Therapy for Couples.** Thomson: BROOKS/COLE.
- Mott, F.L., Kowalaeski-Jones, L., & Menaghan, E.G. (2002) "**Paternal Absence And Child Behavior: Does Children's Gender Make A Difference?**" *Journal Of Marriage And The Family.* 59, 103-118.
- Myers, J.E., Madathil, J., & Tingle, L.R.(2005) "**Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice**". *Journal of Counseling and Development.* 83: 183-190.
- Parker, R.(2000)" How partners in long-term relationships view marriage". *Family Matter.*
- Queen, WH.(2004) **Family Solutions for Youth at Risk: Applications to Juvenile Delinquency, Truancy, and Behavior Problems.** 1st ed. New York: Brunner-Rutledge.
- Roizblatt, A., kaslow, F., Rivera, S., Fuchs, T., & Zacharias, A.(1999) "**Long lasting marriage in chile**". *Contemporary Family Therapy.* 21(1): 113-129.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012) **Religiosity.**
- Scott, J.(2006) **Family and Gender Roles: how attitudes are changing.** Genet Working Paper.
- Shaw, D.S., Winslow, E.M., Flanagan, C.(2006)" **A Prospective Study Of The Effects Of Marital Status And Family Relations On Young Children's Adjustment Among African American And European American Families**". *Child Development.* 70: 792-755.
- Spezials, H., & Carpenter, D.R.(2007) **Qualitative Research in Nursing.** Lippincott Williams & Wilkins press.
- Ulker, A. (2008) "**Mental health and life satisfaction of young Australians: The role of family background**". *Australian Economic Papers,* 2, 199-218.

Identifying Indices of Successful Marriage: A Discovering and Qualitative Research

Javad khodadadi sangdeh

Ph.D. student, kharazmi University

Ali mohammad Nazari

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

khodabakhsh Ahmadi

Ph.D., Associate Professor, Baqiyatallah University of Medical Sciences

Jafar hasani

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

Received: 16 Aug. 2014

Accepted: 21 Oct. 2014

Healthy and successful marriage plays a fundamental role in creation a healthy family. Accordingly, present research was to study and investigate the experiences of couples who had successful marriage. The present research is a qualitative research, in which phenomenological approach was used. For this purpose, 13 participants were selected by purposive sampling method and were studied via discovering and deep interviews during a 12 month period. Data was collected, registered and encoded in main categories. Analyzing the participants experiences were resulted in identifying 386 primary codes, 25 subthemes, and 4 main themes including personal context, family context, parenting context, and Entourage context. In developing a health and successful marriage, there are factors which are affected by socio-cultural context. Although these factors play fundamental role in marriage, they have been ignored. Therefore, in dealing with marriage and families, it is necessary to pay more attention to social and cultural context.

Key words: Successful Marriage, Couple Experiences and Phenomenology